

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد

بقای همان ضامات سرمایه داری، با شیوه های براب در دستگاه تر و اتهاماتی بمراتب بر اساس تر، زندانیان نه ساخته را از انقلابین مبارز بر کند، مردی که برای قربانی سیاسی از سبیل های مقامت خود، حلقه های گل بگردن زندان رزمی پاسدار سرمایه خلقی طناب بگردد ن فرزند آن مبارز آنان میزند، مردی که در اولین روزهای قیام برای تسخیر زندان اولین یا یک پارچگی خود دیوارهای این دژ را بنروزه در میوردند، اکنون در جلوی همین زندان بناطریق ملاقات عزیزان خود و کسب اطلاع از سرنوشت آنان میروند ضرب و شتم پاسداران سرمایه قرار میگیرند.

هنوز جای پای خونین انقلابین بر کسوف راهرو های دژ کیمه شهرانی پاک نشده بود، هنوز ظنین ناله های درد آلود شکجه زندگان سیاسی از اتاقهای شکجه محو نگردیده بود، هنوز دیوارهای بلند زندان قصر صدای گسهای استوار مبارزین را از یاد نبرده بود، هنوز سایه های زندان اوین بوی تن خسته ی فرزندان خلق را در خود داشت، هنوز خاطرهای صفهای طول خانواده های زندانیان سیاسی که برای ملاقات عزیزان در بند خود، در زیر باران ناسزا و توهین زندانیان مساعضا در انتظار میماندند، چون شعی در اطراف زندانها پسرکه میزد، هنوز خیابانهای تهران و دیگر شهرهای کشور تا به فریادهای توفندی "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را فراموش نگردیده بود و هنوز زندانیان نه ساخته از بیم لحظه با شکره رهایی زندانیان سیاسی، خواب راحت نیافته بودند که درباره دستگیری مبارزین انقلابی در اجساد هونان و قرون وسطایی آغاز شد. بجای قطع دست های امیرالیم، بر دستهای فرزندان انقلابی خلق دستنیده زده شد و زندانها بر خلاف تصور مردم، بجای موزه به قلعه فرزندان آنها بدل شد.

از نظر رژی که این چنین به نقی همسعی دستاوردهای انقلاب مردم پرداخته است، برای طولانی تر کردن حاکمیت فاشیستی خود برای حفظ روابط سرمایه داری اساسی، همسعی این فحاشی و جنایات "شروع" و "طبیعی" است. در یک چنین خوی دیگر سخن از حقوق ابتدایی زندانیان نمیتواند در میان باشد. "طبیعی" است که زندانی مورد شکنجه قرار گیرد "طبیعی" است که مدتها بدون اطلاع از اتهام خود در بدترین شرایط در بر داشته باشد "طبیعی" است که از حق داشتن وکیل محروم باشد، "طبیعی" است که از ارتباط با همزندان خود منع گردد، "طبیعی" است که بستگانش را از سرنوشت وی بی خبر نگه دارند و تاس او را با دنیای خارج قطع کنند، "طبیعی" است که با دردگی و خونریزی در طی چند دقیقه صناکه و محکوم شود و حق زندگی را از وی بگیرند.

رزم سرمایه داری جمهوری اسلامی که همبند سلف خود - رزم خصوص پهلوی - از آگاهی و تشکل زحمتکشان وحشت دارد، برای جلوگیری از تسوسان صرخ آگاهی توده ها و برای بقای عمر شکن خود، مبارزین سیاسی، این بیشترین سیاسی، این بیشترین رهائی زحمتکشان را به سایه های میفرستند، جوانان انقلابی را به بهانه ی بخشی تشریفات و اطلاع های سازمانهای سیاسی، دستگیر و پسران ماهها بلا تکلیفی، آزار و اذیت و شکنجه در بیدارگاه های فریادگی و در بسته به حبسهای طولانی مدت و اعدامهای مستجمعی محکوم میکند، کسار گران آگاهی را که علیرغم جوارو جنجال رژیم بر سر حمایت از خصمین به ماهیت سرمایه داری آن پس برده و برای دفاع از حقوق خود به مبارزه برخاسته اند، روانی زندانها میکند. هیچ دستگیری های پخته آنسان دانه یافته است که دیگر زندانیان با نام و نشان گنجایش دستگیرندگان را ندارد و رژیم برای در بند کشیدن انقلابین، خانه های ضعیف، استادیومهای ورزشی، بیمارستانها و... را به صلخ این انقلابین تبدیل نموده است.

در چنین شرایطی که دیگر کوچکترین اشتری از آزادیهای دموکراتیک باقی نمانده است و جنگال رژیم فاشیستی اسلامی گلوی آزادی را صفشارده در شرایطی که همسعی روزنامه های مخالف و نشریات انقلابی توقیف شده اند، همسعی احزاب سیاسی غیر قانونی اعلام شده اند، حق هرگونه آزادی بیان و عقیده با زندان و شکنجه پاسخ داده میشود و صدی نهادهای دموکراتیک را به ملامت کشیده اند، دفاع از آزادی زندانیان سیاسی، دفاع از آزادی دموکراتیک است. دفاع از آزادی جوانان انقلابی که به خاطر فروش تشریفات سازمانهای سیاسی اسیر شده اند، یعنی دفاع از آزادی مطبوعات، دفاع از آزادی انطباق بیون مبارزی که بجزم عضویت و هواداری سازمانهای

مردی که با شمار آزادی زندانیان سیاسی ناقوس مرگ رژیم متفطر پهلوی را به صدا در آورده بودند، هیچگاه تصور نمیکردند که چند صد صباقتی بعد، رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی برای تضمین



سیاسی به زنجیر کشیده شده اند، یعنی دفاع از آزادی احزاب، دفاع از آزادی زندانیانسی که بجز برای عقیده و مخالفت با رژیم دیکتاتوری اسلامی به زندان افتاده اند، یعنی دفاع از آزادی بیان و عقیده، دفاع از آزادی کارگران مبارزی که بجز فعالیت در تظاهرات در جنگل و جمع ترغاب شده اند، یعنی دفاع از آزادی تشکیل مجامع و انجمنهای دموکراتیک، و خلاصه دفاع از آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی یعنی دفاع از دستاوردهای مبارزات توده‌های زحمتکش.

وظیفه‌ی انقلابی همه‌ی سازمانهای سیاسی، همه‌ی مجامع و نهادهای دموکراتیک و همه‌ی مردم آزاد و سواد فرد فاشیسم حکم میکنند که با تمام توان و نیروهای خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی که تبلور همه‌ی آزادیهای دموکراتیک است، بسیج کنند. طرح و تبلیغ شمار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" همانگونه که نقش بسیج را در بسیج توده‌ها برای مبارزه با دیکتاتوری پهلوی ایفا کرد، اینبار نیز میتواند به آهوی بسیج برای زحمتکشسان و مستبدان حاکمهای ما بدل شود. برای دفاع از آزادی زندانیان سیاسی با تمام قوا بکوشیم.